

# آموزش زنان و دختران گامی مؤثر در جهت توسعه

زهرا برازش

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی - آذربایجان شرقی



نیست که اجناس بیش تری اعم از کالا یا خدمات تولید شود، بلکه هدف آن است که قابلیت‌های افراد به گونه‌ای رشد یابد تا زندگی انسان سرشار از خلاقیت‌ها و رضایت باشد. «مایکل تودارو» می‌گوید: «توسعه عبارت است از ارتقای مستمر یک جامعه یا نظام اجتماعی به سوی یک زندگی بهتر و انسانی‌تر.» (نقل از خوش خبر، ۱۳۷۹)

هر نهادی در جامعه که پاسخ‌گوی برخی از نیازهای آن است، ترکیبی از زنان و مردانی است که در آن سهم مشترک دارند. اما نقش زنان به دلیل نزدیکی به فرزندان، در ایجاد حفظ باورهای روزمره، بسیار بیش‌تر از مردان است. باورهای روزمره در صورت تداوم، تبدیل به باورهای اساسی می‌شوند. باورهای اساسی از آن جهت که به حرکت‌ها و جهت‌گیری‌های جوامع در مواقع حساس می‌انجامند، بسیار مهم و قابل توجه‌اند.

در عصر کنونی که همه چیز با شدت تمام در حال

## مقدمه

دختران و زنان با بر عهده داشتن مسئولیت خطیر پرورش نسل آینده در نظام طبیعی و تداوم بخشیدن به این نقش در خانواده و جامعه، به گونه‌ای مؤثر در روند توسعه اجتماعی نقش داشته‌اند. جایگاه زنان و دختران در جوامع، به عنوان قشر فرهنگ‌ساز، از جمله موضوعات درخور اعتنایی است که می‌توان از منظر انسانی به آن توجه کرد و ابعاد آن را با بهره‌گیری از تلاش‌های علمی و پژوهشی مورد کاوش قرار داد.

## نقش زن در توسعه

«گریفین» در مورد توسعه می‌گوید: «هدف از توسعه آن

دگرگون شدن است، تغییر و تحول سریع جامعه، همه چیز را به سرعت تغییر می دهد و اطلاعات مدام تازه می شوند، بایگانی ادراکی افراد نیز باید با سرعت بیش تری اصلاح گردد. لذا زنان و دختران نیز برای ایفای بهینه وظایفشان باید با پرورش استعدادهای خود به تمامی عرصه ها و سطوح مسئولیت هایی که تاکنون در انحصار مردان بوده است، گام بگذارند و برای این کار، برخورداری آنان از حقوق و به ویژه امکانات برابر با مردان، ضروری است. در عصر کنونی، توانمندسازی زنان، توانمندسازی کل عالم بشری است. اما این که چه عوامل و موانعی موجب شده از این نیروی بالقوه عظیم در جهت حل مسائل و رشد جامعه کم تر استفاده شود، آن هم در شرایطی که کشور ما نیاز دارد هر چه پرشتاب تر، با اتکا به نیروی انسانی متخصص و کاردان به سوی توسعه

بر جوامع حاکم گردید. در جوامع موج اول، کار بیش تر در مزارع یا در خانه انجام می شد و افراد خانواده، به اتفاق، یک واحد اقتصادی را تشکیل می دادند. زندگی شغلی و خانوادگی در یکدیگر آمیخته و ادغام شده بود. وابستگی متقابل در سطح کم، از ویژگی های کار در جوامع کشاورزی موج اول به شمار می رفت.

### زن و تمدن موج دوم

در موج دوم کار از مزرعه و خانه به کارخانه منتقل شد و میزان وابستگی متقابل را افزایش داد. فعالیت به تلاش جمعی، تقسیم کار، هماهنگی و ترکیب تعداد زیادی مهارت نیاز داشت. مردان کم و بیش خانه را به قصد انجام کار مستقیم اقتصادی ترک کردند و زنان به طور عموم در خانه

پذیرش عنوان جنس دوم توسط زنان، موجب افزایش تبعیض و خشنودن علیه آنان گردید. تضييع حقوق زنان و تبعيض عليه آنان به هندی می رسد که ندای اندیشمندان و متفکران بر می آید و اکثر روشنفکران آلمان می دارند که اغلب فجایع و جنایات های جوامع بشری و هم چنین عقب ماندگی های مثل ریشه در تضييع حقوق زنان دارد.



حرکت کند، نیازمند بررسی و مطالعه وضعیت زنان در قرون و اعصار گذشته است.

### زن و تمدن موج اول

جوامع، قبل از تمدن موج اول به هیچ وجه مرد سالار، سلسله مراتبی و ستیزه جو نبودند. به عبارت دیگر این جوامع نه پدرسالار بودند و نه مادر سالار، بلکه با همان چیزی انطباق داشتند که آن را شیوه سازمان دهی اجتماعی مبتنی بر مشارکت می نامیم. زندگی در فضایی گسترده، به دور از تنش های ذاتی و مناسبات مبتنی بر اجبار و انقیاد جریان داشت. موج اول، نسلی از انسان های محبوس در مکان بار آورد و کشاورزی، تمدنی در «فضای محدود» ایجاد کرد. به تدریج نقش مردان و زنان به شدت مشخص و از هم جدا شد و الگوی خانوادگی سلسله مراتبی، استبدادی و سلطه جویانه

ماندند تا کار غیرمستقیم اقتصادی را انجام دهند. این جدایی، شکاف در شخصیت و زندگی روانی ایجاد کرد. ماهیت عمومی یا جمعی کارخانه و اداره و نیاز به هماهنگی و یکپارچگی، با خود تأکید بر تجزیه و تحلیل عینی را به همراه آورد. مردان که از کودکی برای نقش خود در بیرون خانه، جایی که در آن به دنیایی از وابستگی های متقابل راه می یافتند، آماده می شدند، از همان آغاز طوری تربیت شدند که عینیت گرا و واقع بین شوند. در مقابل زنان که از بدو تولد برای تولید مثل و پرورش اطفال و کارهای شاق خانه داری که به میزان قابل توجهی در انزوای اجتماعی انجام می گرفت، مهیا می گشتند، آموختند که «ذهنیت گرا» باشند و غالباً تصور می شد که برای کارهای منطقی و تفکر تحلیلی که ظاهراً با واقع بینی مرتبط بود، آمادگی ندارند. (تافلر، ص ۶۰) تمدن موج دوم، تنها فناوری و طبیعت و فرهنگ را



خشونت علیه زنان نه تنها سلامت جسمی و روحی آنان را مورد تعرض قرار می دهد، بلکه بر توانایی زنان برای مشارکت در مسائل راهبردی محلی، ملی و بین المللی توسعه، تأثیر می گذارد. روان شناسان معتقدند، مادران خشونت دیده که مورد بی مهری مردانشان قرار می گیرند، فرزندان مستبد، بدون اعتماد به نفس و نابهنجار پرورش می دهند.



دگرگون ساخت. این تمدن شخصیت را دگرگون کرد و یک منش اجتماعی جدید به وجود آورد. زنان و کودکان نیز تمدن موج دوم را شکل دادند و تحت تأثیر آن، خود نیز شکل گرفتند. این تمدن گرچه از خانه داری تجلیل می کرد، اما برای کسی که نقش کدبانو را برعهده داشت چندان شأن و مقامی قائل نبود. و بدین سان زن عنوان جنس دوم را پذیرفت و حق تصمیم گیری را به جنس اول (مرد) واگذار کرد. زن به عنوان جنس دوم در حاشیه ماند و وضعیت موجود را به صورت یک فرهنگ پذیرفته شده در آورد.

پذیرش عنوان جنس دوم توسط زنان، موجب افزایش تبعیض و خشونت علیه آنان گردید. تضييع حقوق زنان و تبعیض علیه آنان به حدی می رسد که ندای اندیشمندان و متفکران بر می آید و اکثر روشنفکران اذعان می دارند که اغلب فجایع و جنایت های جوامع بشری و هم چنین عقب ماندگی های ملل ریشه در تضييع حقوق زنان دارد. در همان گیرودار کتاب پر سر و صدای «بتی فریدن» با عنوان «رمز و راز زن بودن»، منتشر می گردد که موجب جنبش های مختلف زنان می شود. به طوری که سال ۱۹۷۵ به عنوان سال بین المللی زن اعلام می گردد. در سال ۱۹۸۰ کنفرانس جهانی زن در مکزیکو سیتی و کپنهاک برای احقاق حقوق تضييع شده زنان برگزار می گردد. هم چنین دهه ای با عنوان «دهه سازمان ملل برای زنان»، تعیین می شود. کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در سال ۷۹ میلادی پذیرفته شده، بالاخره اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان از سوی سازمان ملل صادر می گردد.

با وجود تمامی اقداماتی که در طی سال ها برای احقاق حقوق تضييع شده زنان به عمل می آید، آمار و اطلاعات

جهانی حاکی از آن است که در دنیای کنونی، زنان هم چنان بیش ترین قربانیان خشونت مردان به شمار می آیند، به طوری که سازمان ملل در اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، در دسامبر ۹۳، خشونت علیه زنان، خانواده و جامعه را امری رایج معرفی کرد که از مرزهای درآمد، طبقه اجتماعی و فرهنگ نیز گذشته است. اعلامیه سازمان ملل در یکی از

بندهای خود، این پدیده را مانعی برای نیل به برابری، توسعه و صلح خوانده است.

خشونت علیه زنان نه تنها سلامت جسمی و روحی آنان را مورد تعرض قرار می‌دهد، بلکه بر توانایی زنان برای مشارکت در مسائل راهبردی محلی، ملی و بین‌المللی توسعه، تأثیر می‌گذارد. روان‌شناسان معتقدند، مادران خشونت دیده که مورد بی‌مهری مردانشان قرار می‌گیرند، فرزندان مستبد، بدون اعتماد به نفس و نابهنجار پرورش می‌دهند. (صمدی و صارمی، ۱۳۸۱)

### زن و موج سوم تمدن

دگرگونی‌های سریع فنی، اقتصادی و اطلاعاتی، شیوه‌های اندیشه و رفتار را زیر و رو کرده، با کشیدن خط بطلان بر پیشداوری‌های ریشه‌داری مثل اعمال قدرت استبدادی، اما در عین حال انکارناپذیر پدر خانواده بر زن و فرزندان، پدیده جدید تمدن موج سوم و در بطن آن خانواده گسترده الکترونیک را پدید می‌آورد. در این عصر یک نظام جدید خانواده در حال تکوین است تا نظام کهنه موج دوم را ریشه کن سازد. این نظام جدید خانواده، یک نهاد مرکزی سپهر اجتماعی نوین خواهد بود که همگام با سپهر فنی و سپهر اطلاعاتی جدید شکل خواهد گرفت. این بخشی است از یک آفرینش اجتماعی که از طریق آن نسل امروزی خود را با تمدن نوین سازگار کرده، در بنای آن شرکت می‌جوید. (تافلر، ۱۹۸۰)

در دوران حاضر دو تغییر در جوامع رخ داده و باعث تجدید نظر در مورد زنان شده است. اول این که ارزش‌های جوامع تا حدودی تعدیل شده است. جوامع امروزی علاوه بر قدرت نظامی و اقتصادی، بر فرهنگ و تمدن خود نیز تأکید می‌ورزند و به آن افتخار می‌کنند. تغییر دیگری که در جوامع رخ داده است، تأمین امنیت برای تمامی قشرهای جامعه از جمله زنان برای هر گونه فعالیت اقتصادی و اجتماعی است. گرچه اتفاقات اخیر در سطح جهان فرصت‌های خوبی برای زنان ایجاد کرده است، اما زنان برای استفاده از فرصت به دست آمده و ایفای نقش مؤثر در جامعه دو مشکل عمده دارند. مشکل اول آن است که در حاشیه ماندن طولانی مدت آنان، وضعیت موجود آنان را به صورت یک فرهنگ پذیرفته شده در آورده است. مشکل دیگری که

ظهور کلبه الکترونیک، موج ظهور خانواده‌هایی با ستون عشق به علاوه آگاهی، عشق به علاوه احساس مسئولیت و انضباط نفس یا عشق به علاوه دیگر فضیلت‌ها

خواهد شد.

می‌توان برای استفاده زنان از فرصت‌های ایجاد شده عنوان کرد، پایین بودن توانایی‌های زنان است. البته منظور از توانایی در این جا توانایی اکتسابی است، نه توانایی ذاتی. (شیری، ۱۳۷۹)

هدیه تمدن عصر جدید به جوامع، بازگشت به صنعت کلبه روستایی، مبتنی بر پایه‌های جدید، پیشرفته و الکترونیکی است؛ بازگشت به عصری که در آن خانه (نه کارخانه و اداره) کانون و محور جامعه خواهد بود. سامونلز می‌گوید: «تکنولوژی آینده میزان تکالیف خانه را افزایش خواهد داد. «تافلر در کتاب موج سوم می‌نویسد: «به تجربه ثابت شده که انتقال کار به خانه تا چه حد به تحکیم زندگی خانوادگی کمک می‌کند. کلبه الکترونیک (جامعه خانه کانونی) حیات تازه‌ای به گروه‌های زنان می‌دهد. در جهان آینده دنیای رابطه انسانی وجود خواهد داشت. یک نوع رابطه واقعی و دیگری رابطه با واسطه دستگاه‌های الکترونیکی که هر کدام ضوابط و نقش‌های متفاوتی بر عهده دارند. ظهور کلبه الکترونیک، موج ظهور خانواده‌هایی با ستون عشق به علاوه آگاهی، عشق به علاوه احساس مسئولیت و انضباط نفس یا عشق به علاوه دیگر فضیلت‌ها خواهد شد.

### موج سوم، آموزش، زن و توسعه

تافلر در کتاب ورق‌های آینده، قدرت صنعت انفورماتیک را عامل پیشرفت و فراوانی اطلاعات می‌داند که همه چیز را در معرض تغییر قرار می‌دهد و توانایی‌های فکری و تخیلی و انواع استعدادها و قریحه‌ها را به کار





گرچه زنان از ادوار گذشته به عنوان فرهنگ‌سازان جامعه مطرح بوده‌اند، اما اگر خود را توانمند نسازند، مطمئناً در آینده همین نقش را هم نمی‌توانند ایفا کنند. چرا که در جوامع پیشرفته آینده، فرهنگ‌سازی بدون مجهز بودن به سلاح علم و تجربه و رسیدن به خودباوری غیرممکن است.



پرورش رسمی و غیررسمی دختران با بازده بسیار بالای اقتصادی و اجتماعی‌یی که در پی دارد، از بهترین وسایل دست‌یابی به توسعه پاینده و رشد اقتصادی پی‌گیر و پایاست. (ام کینگ، ۱۳۶۵).

هم اکنون در سطح جهانی پذیرفته شده است که چنانچه دختران و زنان از دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی محروم باشند و اگر درباره آن‌ها تبعیض روا داشته شود، بشر نمی‌تواند به معنای صحیح کلمه با یکدیگر زندگی کند و ناهمسانی جنسی تأثیر منفی بر توسعه می‌گذارد. بنابراین موضوع برابری میان زن و مرد نیازمند توجه خاص است، چرا که این برابری، نقش اساسی در تحقق آرمان بشری یعنی زیستن با یکدیگر و هماهنگی برای نیل به توسعه عادلانه و پایدار ایفا می‌کند.

### نابرابری تحصیلی زنان و مردان، سد راه توسعه

از علل عمده نابرابری زنان و مردان در شئون مختلف جامعه، نابرابری تحصیلی موجود بین آن‌هاست. جمعیت زنان و مردان در همه جای جهان از جمله ایران، کم و بیش مساوی است و اگر شرایط و امکانات فراهم باشد، به صورت تقریب باید درصدهای کم و بیش مساوی از این دو جنس را در مقاطع مختلف تحصیلی و بازار کار ببینیم. اگر نگاهی هر چند اجمالی به وضعیت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دوره‌ها و ترکیب اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها از نظر جنسیت، حداقل در سال‌های بعد از انقلاب داشته باشیم، آمار و اطلاعات حاکی از آن است که شمار زنان دانشجویی مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا به طور متوسط ۲۰٪ می‌باشد. هم چنین در مطالعه‌ای که توسط گروهی انجام گرفته، رتبه ایران از نظر مجموعه شاخص‌های مربوط به زنان در بین ۵۰

می‌گیرد. او می‌نویسد: «اقتصاد و توسعه موج سوم به انسان‌هایی که راه را بکوبند و استعداد ارتباط بین فرهنگی در آن‌ها تقویت شده باشد و به انبوه انسان‌های دیگرنگر نیاز خواهد داشت.» پس از این استدلال، مسئله توسعه انسانی و آموزش و پرورش عصر آینده را پیش می‌کشد و می‌نویسد: «آن چه به آن نیاز داریم، توزیع مجدد نیروی انسانی در پرتو تربیت و باز تربیت مستمر است.» وی در تشریح این نظر، نظام آموزشی انبوه و پرورش انسان‌های شرطی شده را مورد انتقاد قرار می‌دهد و پیش‌نهاد می‌کند که مدرسه بر پایه استعدادهای فردی منطبق و متنوع‌تر شود و سهم خانه در آموزش و پرورش کودکان فزونی یابد. تافلر اهمیت مشارکت بیش‌تر خانواده را در پرورش خلاقیت‌ها و ابتکارهای ذهنی گوشزد می‌کند.

تافلر هم چنین در کتاب «به سوی تمدن جدید» می‌نویسد: «عصر اطلاعات، جامعه موج سوم را به وجود می‌آورد. موج سوم شیوه نوینی از زندگی را به همراه دارد که مستلزم دگرگونی واقعی در زندگی انسان، از نظر اخلاقی، اندیشه و فرهنگ است. درک گذر از یک موج دیگر کلید فهم بسیاری از تعارض‌های سیاسی و اجتماعی اطراف ماست، یعنی درک عواقب پدیده‌های حاصل از موج اول (کشاورزی) به موج دوم (صنعتی) و به موج سوم (تمدن فرا صنعتی یا ارتباطات و اطلاعات).»

گرچه زنان از ادوار گذشته به عنوان فرهنگ‌سازان جامعه مطرح بوده‌اند، اما اگر خود را توانمند نسازند، مطمئناً در آینده همین نقش را هم نمی‌توانند ایفا کنند. چرا که در جوامع پیشرفته آینده، فرهنگ‌سازی بدون مجهز بودن به سلاح علم و تجربه و رسیدن به خودباوری غیرممکن است. امروزه به اثبات رسیده است که سرمایه‌گذاری در آموزش و

پژوهش‌های تازه نشان می‌دهد، آموزش زنان هم برای خود آنان و هم برای خانواده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، بسیار سودمند است.



مردان چون آن‌ها تأمین‌کننده هزینه اقتصادی خانواده می‌باشند، دارای ارزش و اهمیتی به مراتب بیش‌تر از زنان‌اند. هم‌چنین همسران، تحصیلات زنان خود را مانعی بین خود و زنان می‌دانند.

تحقیقات نشان داده است که زنان لازم است بین کار شخصی و فعالیت‌های خود پیوند برقرار کنند. تعادل بخشیدن بین فعالیت‌های اجتماعی و خانوادگی از تنش‌های میان نیازهای شغلی و مسئولیت خانوادگی می‌کاهد.

### گزارش تحقیق

برای شناسایی موانع دست‌یابی گسترده‌تر زنان به آموزش و عوامل مؤثر بر عدم مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی به طور گسترده و هم‌چنین ارائه راه‌کارهای لازم

کشور، ۴۶ عنوان شده است که رضایت بخش نیست. نظریه‌پردازان در این زمینه معتقدند که برای کاهش مشکل زنان از نظر نابرابری‌هایی که در شوون مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ملاحظه می‌شود، تمرکز و توجه بایستی به آموزش آنان معطوف گردد. اگر زنان در زمینه آموزش، از نظر کمی و کیفی با مردان قادر به رقابت باشند، امید می‌رود که مشکلات دیگر آنان نیز کم‌تر گردد. پژوهش‌های تازه نشان می‌دهد، آموزش زنان هم برای خود آنان و هم برای خانواده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، بسیار سودمند است. «سامرز» از کارشناسان عالی‌رتبه بانک جهانی چنین اظهار می‌دارد: «در طول تصدیق‌ام در بانک جهانی به عنوان اقتصاددان ارشد، معتقد شده‌ام که در صورت شناخت تمامی منافع، سرمایه‌گذاری در آموزش دختران شاید پر بازده‌ترین سرمایه‌گذاری در جهان در حال توسعه باشد.» (بختیاری و دانشور حسینی، ۱۳۷۷)

نظام آموزشی تنها دستگاهی است که به طور رسمی، همگانی و اجباری به ساخت و ساز و پالایش و انتقال و ارزیابی فرهنگی می‌پردازد. (علاقه‌بند، ۱۳۶۹)

در نظام آموزشی کشورهای توسعه یافته، شورایی به نام شورای آینده تأسیس کرده‌اند که مردان و زنان به طور مشترک عضو آن بوده، کارشان کاوش و بررسی زمان آینده به نفع زمان حاضر است. (تافلر، ۱۹۷۰) نظام‌های آموزشی ما نیز نیازمند چنین شوراهایی است تا تغییر و تحولات زمان آینده را مورد بررسی قرار داده، در برنامه‌ریزی‌های آموزشی آن‌ها را مد نظر قرار دهد. امروزه کودکان و نوجوانان باید بانندیشه‌های آزاد و مستقل تربیت شوند تا بتوانند دیدگاه‌های خود را آزادانه بیان کنند. شکل‌پذیری شخصیت و توسعه کیفی آن هر کسی را در انقلاب تکنولوژیکی قادر می‌سازد تا بدون ترس با تغییرات اساسی روبه‌رو شود و خود را با پیشرفت علم و صنعت، همگام کند و روش متداول زندگی کردن را بپذیرد. این‌ها همه مستلزم داشتن مادران آگاه و آموزش دیده است.

پژوهش لئونارد در سال ۱۹۹۴ نشان داد زنانی که تحصیل کرده‌اند و هم به کار اشتغال داشته‌اند، به دلیل سهم بودن در اقتصاد خانواده، احساس گناه کم‌تری داشته‌اند. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که پول منشاء قدرت است و همین جنبه است که تسلط مردان را در خانه افزایش می‌دهد. از نظر



امروزه کودکان و نوجوانان باید با اندیشه‌های آزاد و مستقل تربیت شوند تا بتوانند دیدگاه‌های خود را آزادانه بیان کنند. شکل پذیری شخصیت و توسعه کیفی آن هر کسی را در انقلاب تکنولوژیکی قادر می‌سازد تا بدون ترس با تغییرات اساسی روبه‌رو شود و خود را با پیشرفت علم و صنعت، همگام کند و روش متداول زندگی کردن را بپذیرد. این‌ها

همه مستلزم داشتن مادران آگاه و آموزش دیده است.



برای توسعه مشارکت آنان، مطالعه‌ای انجام گرفت. در این مطالعه از ۱۵۰ نفر از اولیای دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی که تحصیلات آنان بین دیپلم و لیسانس بود، نظر سنجی به عمل آمد.

موارد اصلی مورد سنجش در این مطالعه عبارت‌اند از:

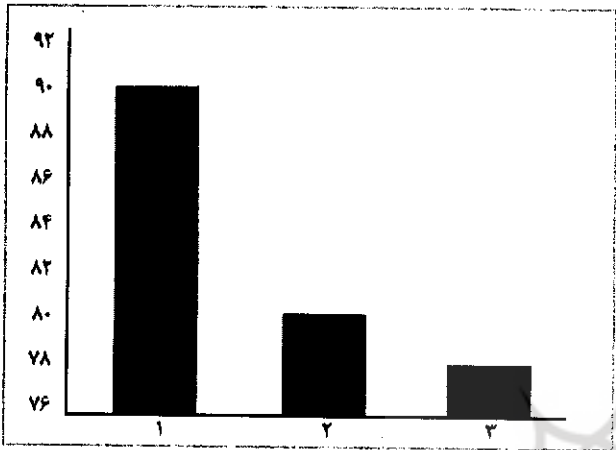
- ۱- موانع دست‌یابی زنان به آموزش‌های لازم
- ۲- عوامل مؤثر بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی
- ۳- راه‌کارهای توسعه فعالیت‌های اجتماعی زنان در جامعه

**نتایج**

الف) موانع دست‌یابی زنان به آموزش :  
 ۱- عدم اعتماد به نفس و باور نداشتن توانمندی‌های

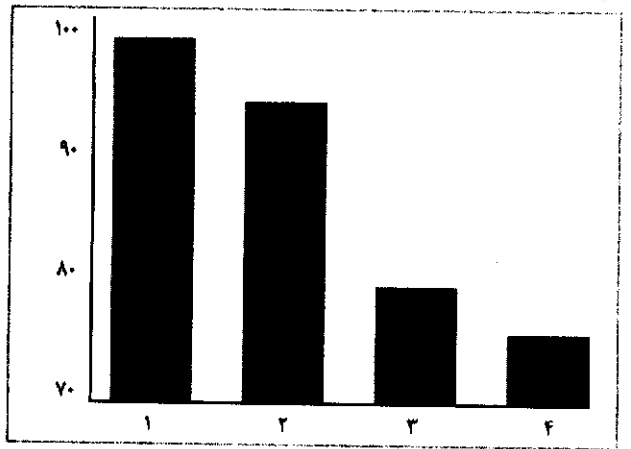
خود (۱۳۲ مورد، ۹۰/۹۰٪)

- ۲- احساس مسئولیت بیش از حد در قبال همسر و فرزندان (۱۲۰ مورد، ۸۰٪)
- ۳- ممانعت مردان از ادامه تحصیل زنان، به دلیل ایجاد فاصله بین آنان (۱۱۸ مورد، ۷۸٪)



ب) عوامل مؤثر بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی :

- ۱- حس برتری مردان، به دلیل گردش چرخ اقتصاد خانواده به دست آنان (۱۴۸ مورد، ۹۸٪)
- ۲- قبول مسئولیت سنگین خانه‌داری و بچه‌داری (۱۴۰ مورد، ۹۳٪)
- ۳- نبود فرصت‌های برابر شغلی برای زنان (۱۱۶ مورد، ۷۷٪)
- ۴- نبود نگرش برابری جنسیتی در خودزنان (۱۱۱ مورد، ۷۴٪)



## ج) راه کارهایی که زنان برای توسعه مشارکت های اجتماعی خود ارائه داده بودند:

- ۱- ایجاد دوره های مشاوره برای زنان و مردان در مدارس، به منظور توجیه وظایف زن و مرد در نظام خانواده و اجتماع (۱۴۰ مورد، ۹۳٪)
- ۲- ایجاد مشاغل برای زنان، به منظور مشارکت آنان در گرداندن چرخ اقتصاد خانواده (۱۲۰ مورد، ۸۰٪)
- ۳- برگزاری دوره های آموزشی در زمینه های مختلف، توسط سازمان های گوناگون دولتی برای زنان (۱۱۸ مورد، ۷۸٪)
- ۴- استفاده از توانمندی های زنان به صورت گسترده در جامعه، به ویژه در پست های مهم اجتماعی، نظیر مدیریت عالی و میانی (۱۱۱ مورد، ۷۴٪)

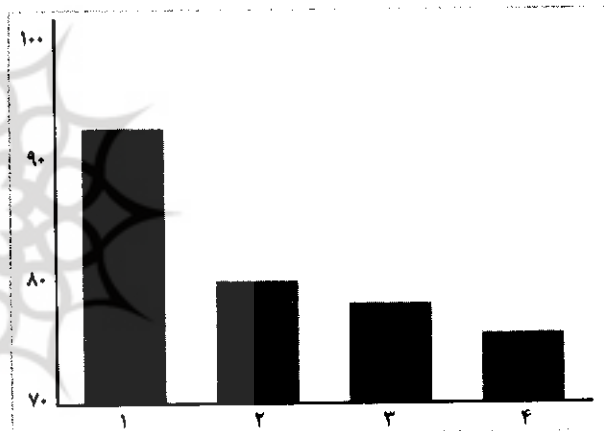
صورت گیرد، باید در نهایت، ظرفیت بالقوه و فعالیت های خلاق زنان را تحقق بخشیده، از انعطاف پذیری کلی برخوردار باشد.

### ارتقای آموزش زنان و دختران موجب:

- ۱- کاهش فاصله بین نسلی و آگاهی بیش تر نسل ها، به ویژه فرزندان می شود.
- ۲- بهینه سازی شیوه انجام امور خانه و مراقبت از کودکان شده، بازدهی اقتصادی را ارتقا می بخشد.
- ۳- افزایش اعتماد به نفس و خودباوری و بهره مندی بیش تر زنان از حقوق خود و مشارکت بیش تر آنان در امور خانه و جامعه می شود و در نهایت موجب بهبود پایگاه اجتماعی آنان شده، برابری اجتماعی را برای آنان به ارمغان می آورد.

### پیش نهادهایی برای ارتقای فرایند آموزش زنان و دختران

- ۱- اجرای برنامه های آموزشی و فرهنگی در سطح جامعه با هدف افزایش آگاهی زنان و مردان نسبت به حقوق و تکالیف متقابل خویش در خانواده، شوراهای محلی و مدارس می توانند با ترتیب دادن جلسات بحث و گفت و گوی خانواده این مهم را تحقق بخشند.
- ۲- برنامه ریزی برای افزایش آگاهی های جامعه در زمینه حقوق زنان، از بعد مذهبی، قانونی و اخلاقی، با استفاده مؤثر



همان طور که مطالعات نشان می دهد، بازنگری و ایجاد تغییرات مثبت در آموزش، برای مشارکت فعال زنان در عرصه های گوناگون، ایجاد فرصت های برابر را می طلبد. این تغییرات می تواند به دنبال شناسایی موانع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان شناختی، تحقق برابری جنسیتی در آموزش و حذف موانع صورت گیرد.

صاحب نظران معتقدند راه حل کلی برای بر طرف کردن موانع، دست یابی گسترده تر زنان به آموزش است. آموزش، توانمندی مورد نیاز پست های مهم و کلیدی را فراهم می سازد، در حالی که ایجاد تغییر در نگرش نسبت به برابری کامل جنسیتی ضروری است. زنان در عصر تحول اندیشه، نیازمند قدرت بخشیدن به توانایی های خویش اند و این کار چه از طریق فعالیت های خود آنان و چه از طریق آموزش

تحقیقات نشان داده است که زنان آزمون است بین کار شخصی و فعالیت های خود پیشوند برقرار کنند. تساهل بخشیدن بین فعالیت های اجتماعی و خانواده ای از نقش های میان نیاز های شخصی و مسئولیت خانوادگی می باشد





ارتقای آموزش زنان و دختران موجب افزایش اعتماد به نفس و خودباوری و بهره‌مندی بیش‌تر زنان از حقوق خود و مشارکت بیش‌تر آنان در امور خانه و جامعه می‌شود و در نهایت موجب بهبود پایگاه اجتماعی آنان شده، برابری اجتماعی را برای آنان به ارمغان می‌آورد.



منابع:

- کینگ، الیزابت: نقش زنان در توسعه اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد، انتشارات روشنگران، تهران ۱۳۷۶.
- تافلر، آلوین؛ شوک آینده، ترجمه حشمت‌الله کامرانی، انتشارات پیام نور، تهران ۱۳۷۰.
- تافلر، آلوین؛ ورق‌های آینده، ترجمه عبدالحسین نیک مهر، انتشارات البرز، تهران ۱۳۶۴.
- تافلر، آلوین و هایدی؛ جنگ و ضد جنگ، ترجمه شهیندخت خوارزمی، نشر سیمرخ، تهران ۱۳۷۲.
- تافلر، آلوین؛ موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، نشر سیمرخ، تهران ۱۳۷۲.
- جرالد، مایر؛ از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد، نشر میترا، تهران ۱۳۷۵.
- روزبهان، محمد؛ مبانی توسعه اقتصادی، انتشارات تابان، تهران ۱۳۷۷.
- شیرینی، قاسمعلی؛ نقش فرهنگ ساز زنان در جامعه، روزنامه همشهری، ۱۷ اسفند ۱۳۷۹.
- صادق بختیاری، اکرم؛ روزنامه همشهری، ۱۹ اسفند ۱۳۷۷.
- صارمی، سمیه؛ خشونت علیه زنان و پیامدها و راه‌کارها، روزنامه اطلاعات، ۱۳ مرداد، ۱۳۸۱.
- علاقه‌بند، علی؛ اصول مدیریت آموزشی، انتشارات پیام نور، تهران ۱۳۷۰.
- فاجرلیند، اینجمار؛ تعلیم و تربیت و توسعه ملی، ترجمه سید مهدی سجادی، انتشارات تربیت، تهران ۱۳۷۰.
- هاربین، فردریک؛ نیروی انسانی و رشد اقتصادی، ترجمه عبدالحسین اقلیمی، ۱۳۷۱.
- هندی، چارلز؛ عصر سنت‌گرای، ترجمه عباس مخبر، انتشارات طرح، ۱۳۷۴.

از وسایل ارتباط جمعی و نشریات.

- ۳- تشکیل شورای خانواده به عنوان مکمل شورای دانش‌آموزی در مدارس و فعال نمودن شورای فوق‌با و آگاهی بخشی از وظایف و مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های مدرسه به آن‌ها.
- ۴- تشکیل شعبه بانوان در ادارات آموزش و پرورش نواحی و مناطق و سهمیم کردن اعضای آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های آموزشی، ترویج فرهنگ مطالعه و پژوهش در بین زنان.
- ۵- استفاده از توانمندی‌های زنان تحصیل‌کرده در فعالیت‌ها و برنامه‌های اجرایی ادارات، برای ایجاد زمینه‌های فرهنگی حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی.